

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۷ جون ۲۰۱۵

مجلس سی ام (در اعتراف به نعمتهای خداوند)

بامداد روز شانزدهم جمادی الاخر سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه فرمودند: خوشبختانه حال کسی که نعمت های حق تعالی را اعتراف نمود و همه بخششها را از خدا دانست، و توان خویش را در برابر او هیچ شمرد.

وای بر تو! خدا را بدون علم و آگاهی می پرستی، دنیا را بدون شناخت واقعی، گاهی می پذیری و گاهی رد می کنی، این روش حجاب بر حجاب است، که موجب دوری از خدا می شود، چرا که نیک و بد را از هم تشخیص نمی دهی، و نمی توانی میان آنچه به ضرر و آنچه به نفع توست فرق قائل شوی، دوست و دشمن خود را نمی شناسی، تمام اینها به علت جهالت نسبت به شناخت خداوند است، و ترک خدمت بزرگان و علمای عامل، زیرا عالم عامل به علم و مجری او امر و احکام شریعت، ترا بخدا می رساند. گفتار پسندیده ایشان برایت کار ساز خواهد شد، به خدایت هدایت می کند، و مقرب حضرت حق می شوی، کسی جز با علم و عمل و زهد و دوری از دنیا، قلباً و ظاهراً، به مقام قرب نرسیده است. کسی که مدعی زهد باشد دنیا از دستش خارج می شود، اما زاهد واقعی دنیا را از دل بدور می کند، ظاهر و باطنش از دنیا گریزان می شود، آتش شهوات و او خاموش، و هوای نفسش شکسته می شود، و به نفس مطمئنه نائل می گردد.

(یا غلام) اینگونه زهد نه صنعتی است که به کارش بری، و نه چیزی است که در دست گیری، بلکه آن برداشتن قدمهای راستین در این راه، که قدم اول نظریه دنیا افکندن، و دیدن چهره آنست به انسان که هست، یعنی بدانگونه که در دید انبیاء و اولیاء و ابدال ظاهر گردیده است. همانا دیدار واقعی هنگامی برایت میسر می شود که از اقوال و افعال مردان راه حق پیروی کنی، و هرگاه از آنان تبعیت کردی، تونیز دنیا را همانگونه می بینی که آنها دیده اند و همچنین اگر به حقیقت از ایشان با قول و فعل، آشکار و پنهان، صورت و معنی، پیروی نمودی، آنگاه نمازت، روزه ات، حب و بغضت کلاً مانند اعمال و رفتار آنان می شود. در این وقت خداوند عزوجل ترا نوری عطا می فرماید که توسط آن هم خود را خواهی شناخت و هم دیگران را، زشتی های اعمال خود و غیر را تشخیص می دهی، سپس به طور کلی از خلق خواهی بریدی، در این حال انوار قرب حق بر قلبت تابیدن می گیرد، به مقام مؤمن، و موقن و عارف خواهی رسید، و به مرتبه ای می رسی که اشیاء را چنان که هست می بینی، چه از لحاظ صورت و چه از نظر معنی، دنیا را بدانگونه می بینی که بزرگان پیش از تو دیده اند، آن را به صورت پیرزنی زشت می بینی، همچنان که زهاد واقعی اینگونه دیده اند. اما بدان که این پیرزال زشت دیدار، در نزد ملوک و دنیا دوستان عروسی است آراسته در زیباترین چهره، ولی در نزد قوم صلحا ذلیلی است بيمقدار، که مویش را می سوزانند، و لباسش را پاره می کنند، و صورتش را می خراشند. گرچه قسمتهای مقرر ازلی خود را نیز قهراً از آن می گیرند. اما در هر حال از آن بیزارند، و همواره مشغول یاد حقند.

(یاغلام) هرگاه زهدت به مرحله ومرتبه صحت رسید، با عقل و اختیار مراحل آن را ببیمای، از خلق مهراست، و به عطا آنان امیدوار مباش. از هر چیزی که نفس ترا بر آن وا می دارد، بر حذر باش و تا وقتی که اراده خدا بر انجام کاری قرار نگرفت، به هیچ امری مبادرت منما. در حالت زهد، قلب زاهد واقعی محل الهامات می شود. هر چه به تو الهام شد، چه رد و چه قبول، باید انجام داد. اگر جوارحت آرامش واقعی را یافت جای شگفتی نیست و بدان که این سکون ظاهری هیچ ضرری به باطنت ندارد، سکون و آرامش واقعی را زمانی بدست خواهی آورد، که هوای نفس و تمایلات درونی تو بمیرند، و جز علاقه به مولا در دلت چیزی باقی نماند. و در اینچنین حالی است که قرب حق زنده ات می گرداند و برای راهنمایی خلق مأمور می شوی، و میل به دنیا و آخرت به گونه ای در تو ایجاد می شود که قسمتهای معین خود را به فرمان شرع اخذ نمائی. توان تحمل رنجهای خلق در تو پدیدار می گردد، تا بدینوسیله آنان را از گمراهی نجات دهی، و امر خدا را در میانشان اجرانمائی. اما چنانچه به انجام این کار مأمور نشدی، قرب حق برایت کفایت می کند، و از غیر بی نیازت می سازد، وقتی به قرب خالق کل اشیاء یعنی خدائی که به وجود آورنده کائنات است، و خود قبل و بعد از آن موجود بوده و خواهد بود، رسیدی، دیگر نیازمند خلق نخواهی بود.

اگر گناهان تو به مانند باران است، باید توبه ات همواره و در خور مقابله با این باران باشد.

وای بر تو! شگفتا! تو سرمست غروری، زیانکاری، اسیر شهوتی، قبرهای کهنه و قدیمی را بنگر و با زبان حال ساکنان آنها را مخاطب قرار ده، تا از احوال خود برایت بگویند.

(یاغلام) تو ادعای ارادت به حق اولیاء خدا را داری، آیا گمان می کنی ادعایت بررسی و مورد سنجش قرار نمی گیرد؟ من به اذن حق حسابرسی را بارها انجام داده ام، از اینجهت بدرستی و صحت آن واقف گشته ام. ای اهل زمین، اعمالتان بسان خمیری است بی نمک، بیائید و از نمک نگریزید، این خمیر بدون نمک اعمالتان را بانمک اخلاص کامل کنید.

ای منافق تو سرشته از دوروی هستی، بزودی آتش این نفاق به سویت باز می گردد. پس هر چه زودتر خود را از آتش این نفاق برهان. هرگاه قلبت را از نار نفاق نجات دادی، تمام اعضاء و جوارحت نجات پیدا خواهد کرد. قلب نگهبان جوارح است، هرگاه قلب در صحت بود سایر اعضاء در صحت خواهند بود. و هر وقت قلب و جوارح، ظاهر و باطن مؤمن بصلاح آمد، آنگاه وی نگهبان و پاسدار زن و فرزند، همسایه، و اهل شهر و دیار خود می گردد، و به مقام قرب مولا ارتقاء حاصل می نماید.

(یاقوم) بدوستی خدا دوستی متوسل شوید و از او بیم داشته باشید، به فرمانش گردن نهید، زیرا خداوند متعال به علم ازلی شما را بر انجام اعمالی که صلاح دانسته است، مکلف گردانیده است. پس حکم خدای را اجراء کنید و حق آن را ادا نمائید. هرگاه به او امر خداوند عمل نمودید، عمل دستتان رامی گیرد و به آنکسی که امرش را اجراء کرده اید می رساند، و ای علمی می آموزید، که از آن بیخبر بودید، سپس با این علم همواره با خدائید، و بر اساس احکامش با خلق رفتار خواهید کرد. هرگاه در این راه قدمهایتان ثابت شد، آنگاه در طلب مقامی دیگر باشید، که آن تحصیل علم و عمل و اخلاص است، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده است: «تَفَقَّهْ نَمَّ اُغْزَلْ» بیاموز و آگاهی حاصل کن، سپس - از مشاغل فریبنده دست و پاگیر دنیوی، عزلت اختیار کن».

مؤمن آنچه را که بدان موظف است می آموزد، سپس از خلق کناره گیری می کند، و به عبادت خداوند عزوجل می پردازد، خلق رامی شناسد، و بدانان توجهی ندارد، خدای رامی شناسد و او را دوست می دارد، و در انجام او امرش کوشا می شود.

خلق به دنبال او می آیند، و او از خلق گریزان است، زیرا می داند نه نیک و نه بد، نه خیر و نه شر، چیزی در دست آنان نیست. و هرگاه چیزی هم از نیک و بد، به دست آنها اجراء شد، آنهم از جانب خداوند است. پس دوری از خلق بهتر

از نزدیکی آنان است. به اصل برمی گردد و از فرع دوری می گزیند، چون می داند اصل واحد است و فرع فراوان، در آئینه تفکر دیده است که وقوف در یک باب بهتر از وقوف بر درهای متعدد است. بنابراین بدرگاه رحمت حق مقیم است و لا غیر. به مؤمن و موقن مخلص، عقل کامل عطا شده است، لذا از مردم می گریزد و به خدا متوسل می شود.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار». آمین